

منفکونیست

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست

۱۹ فروردین ۱۳۹۰
۸ آوریل ۲۰۱۱



ثریا شهبازی
زمانی برای

بیداری خرگوشا

روزنامه کیهان، این ارگان رسمی جمهوری اسلامی، با انتشار "بررسی رشد گروههای چپ مارکسیستی در دانشگاهها" مستقل از حاشیه نویسی های وزارت اطلاعات و پرونده سازی برای "دانشجویان آزادیخواه و برابری طلب - داب"، به قمار بازی کردن گذاشته و "دسته گلی بر آب" داده است که دود آن به چشم همه جناحهای حاکمیت، از سبز و سیاه خواهد رفت. کیهان به منظور ایجاد رعب در دل رهبران سبز، یعنی بخش رانده شده از بارگاه حکومت و با نشان دادن دشمنان واقعی نظامش یعنی خطر چپ و کمونیسم در جامعه، خواسته است با یک تیر دو نشان بزند. هم بی پایه بودن امید جناح ناراضی داخلی خود نسبت به "اصلاحات" را نشان دهد و هم همسرنوشتی همه حافظین نظام، از موسوی و کروبی تا خامنه ای و احمدی نژاد، را خاطر نشان و این صف را "بیدار" کند، و هم به جنبش کمونیستی ایران اعلام جنگ دهد.

کیهان در عین حال و مهمتر، با این اقدام و انتشار "بررسی رشد گروههای چپ و مارکسیستی در دانشگاهها"، دشمنان واقعی نظام را، جنبشی که میتواند مرگ جمهوری اسلامی را سرآغاز یک زندگی انسانی برای همگان کند، در مقابل

صفحه ۴

اعلامیه حزب حکمتیست به مناسبت اول مه

اول مه روز اتحاد و تشکل طبقاتی کارگران

هیچ زمانی امکانات بشر برای رفاه و آسایش و امنیت، به اندازه امروز مهیا نبوده است. هیچ زمانی سطح تکنیک، و ثروت در دنیا به اندازه امروزی بالا نبوده است. اما هیچ زمانی فاصله طبقاتی و میزان محرومیت انسان از امکاناتی که خود ساخته، به اندازه امروز عمیق نبوده است. هیچ زمانی دامنه توحش بورژوازی علیه طبقه کارگر به اندازه امروز عریان و گسترده نبوده است. با این وصف بورژوازی در تلاش است که هر روز دامنه اقتدار خود بر امکانات و ثروت جامعه را در خدمت سرمایه داران و علیه طبقه کارگر افزایش دهد.

سال گذشته شاهد وسیعترین تعرض بورژوازی به سطح معیشت طبقه کارگر



محمد فتاحی

اول مه امسال چگونه برگزار میشود؟

اول مه دقیقاً مانند کمونیسم در تاریخ خود توسط سنن سیاسی مختلف و به نفع جنبش های سیاسی دیگران مصادره شده است؛ در بلوک شرق سابق ابزار قدرتمندی دولت بود. در جنبش های ملی ابزار جنبش ملی بود تا بگویند کارگر بخش پیگیر در امر ملی است. در ایران اسلامی، در سی سال گذشته بسته به اینکه کدامین جنبش بورژوایی نفوذ کلام داشته این روز را در خدمت خود گرفته است. جنبش مخالفت با رژیم از زاویه منافع طبقات دیگر قدرتمندترین نیروی دوره های مختلف بوده است. مخالفت ملی، مخالفت لیبرالی و مخالفت قومی بیشترین

سهم در سنت مخالفت با حکومت را داشته اند. سنت مشترک مخالفت اینها با حکومت ایران بی توجهی به اعتراض کارگری به این حکومت و سیستم است. اعتراض طبقه کارگر بطور طبیعی توسط نیروی متشکل و با اتکا به قدرتمندترین بازوی این طبقه که بازوی اقتصادی اوست به پیش میرود. کارگر در همین سنگر مبارزه در کارخانه است که اتحاد و تشکل و خودآگاهی طبقاتی را کسب میکند. و با اتکا به همین تشکل و خودآگاهی هم در مسائل متعدد روز و در سرنوشت سیاسی



سال گذشته در عین حال سال وسیعترین اعتراضات طبقه کارگر و مردم محروم در فرانسه، انگلستان، آمریکا، پرتغال، یونان، تا کل خاورمیانه به بی حقوقی، بیکاری، فقر، محرومیت و استبداد بود. سالی که طبقه کارگر و مردم تونس و مصر برای اولین بار طعم انقلاب و به زیر کشیدن دولتهای فاسد را به نیروی خود آزمایش کردند سال تحولات وسیع انقلابی که کل خاورمیانه و شما

صفحه ۲

خود و جامعه نقش بازی میکند. شرکت طبقه کارگر در سیاست هم از طریق متحد کردن خود در محل کار و با استفاده از بازوی اقتصادی خویش است. کافی است چرخ تولید را تعطیل کند و خواهان مطالبات خود شود. این آن جایی است که رگ حیات بورژوازی را نشانه میگیرد و ناچار به تسلیم به مطالبات خود میکند. جنبش های اعتراض بورژوایی در ایران که اعتراض شان نه به کل سیستم که به نوع حکومت و شکل و قواره سیاسی آن است، سنت خود را دارند. در میان کارگران قوی ترین سنت بورژوایی که در بین آنها تاثیر گذاشته و تعدادی را دنبال خود کشیده است، جنبش جناح های پروغرب بورژوازی ایران است که در دوره ای با عنوان اصلاحات، دوره ای با سیاست سرنگونی و این دوره با عنوان سبز مشغول تقلاست. بگذریم

صفحه ۳

دستگیر کردند. این اقدامات سرکوبگرانه علاوه بر اینکه با سد محکم مقابله و مقاومت جوانان مبارز روبرو شد، مورد انزجار مردم و محکومیت نیروهای آزادیخواه قرار گرفت.

در اقدام دیگری مسعود بارزانی رئیس "حکومت فدرال" کردستان و رهبر حزب دمکرات کردستان، طی پیامی عملاً مردم شرکت کننده در اعتراضات جاری و فعالین این مبارزات را به عنوان "اشوبگر" تهدید کرده و

صفحه ۳

منطقه تاکنون از جوابگویی به خواسته ها و مطالبات بر حق مردم نه تنها سرباز زده اند، بلکه برای مقابله با این مبارزات در فکر اجرای انواع ترندها و توطئه ها هستند. در همین راستا در روزهای اول و دوم آوریل نیروهای پلیس و امنیتی مسلح را به جان آن بخش از مردم معترضی انداختند که در خیابانهای اطراف میدان آزادی اقدام به تظاهرات کردند. به سوی جوانان و مردم تیر اندازی شد و تعداد زیادی از جوانان را زخمی و عده ای را

اکمیته کردستان حزب حکمتیست

دوره حساس مبارزات مردم کردستان عراق

بیانیه های اخیر حزب کمونیست کارگری کردستان روزهای حساس و سرنوشت ساز اعتراضات توده ای جاری در شهرهای کردستان عراق و در راس آنها شهر سلیمانیه را منعکس میکند. بیش از یک ماه و نیم از تظاهراتهای توده ای شهر و شهرکهای این منطقه و مهمتر از همه از اجتماع وسیع و شورانگیز هر روزه مردم معترض در میدان آزادی شهر سلیمانیه میگذرد. هر دو حزب حاکم این

نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری - حکمتیست
صفحه ۲

سخنرانی و پرسش و پاسخ در پالتاک
منشور سرنگونی و اپورتونیسم راست
صفحه ۳

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

اول مه روز اتحاد و تشکل....

آفریقا را در بر گرفت و کل جهان را تحت تاثیر خود قرار داده است و موجی از امید و شادی و اعتماد به نفس را به بشریت متمدن، به طبقه کارگر و ستمدیدگان بخشیده است. تحولاتی که کل بورژوازی، کشورهای امپریالیستی و دولت‌ها مرتجع عرب را در ماتم فرو برده است.

اول مه روز اتحاد و همبستگی طبقه کارگر در سراسر جهان علیه سرمایه روز اعلام کيفرخواست این طبقه علیه نظام سرمایه داری، علیه کار مزدی و بردگی این طبقه است. اول مه روز اتحاد جهانی طبقه کارگر، روز به اهتزاز در آوردن پرچم طبقاتی ما با شعار "کارگران جهان متحد شوید"، است. روز اعلام حمایت از کارگران مصر و تونس و اعلام همسرنوشتی کل طبقه کارگر جهانی است.

سال گذشته بورژوازی ایران با قطع سوبسیدها و تحمیل گرانی و بیکاری وسیع به طبقه کارگر با تحمیل خط فقر بیش از یک میلیون تومان و اعلام ۳۳۰ هزار تومان دستمزد کارگران بیش از پیش به نیروی کار طبقه کارگر چوب حراج زد. اول ماه مه برای ما فرصت و فرجه ای است که در همه مراکز کل و در محلات کارگری، با صفتی متحد علیه این گستاخی اعتراض کنیم. اگر کارگران نفت، ایران خودرو، نوب آهن، هفت تپه و شرکت واحد... در محل کار خود جمع شوند و اعلام کنند: "بیته شورای عالی کار و" افزایش ۹ درصد دستمزد را پاره میکنیم و این سند بردگی و حقارت را نخواهیم پذیرفت"، اگر کارگران شاغل و بیکار و خانواده هایشان در محلات کارگری مهمترین شهرهای ایران دور هم جمع شوند و همین یک مطالبه را اعلام کنند، طبقه کارگر ایران گام بزرگی در جهت اتحاد صفوف خود و برای کسب مطالبات خود برخواهد داشت. اول ما مه فرصتی است تا کارگران ایران در محل کار و در محلات کارگری متحدانه یک بار دیگر اعلام کنند که افزایش دستمزدها، حق تشکل و بیمه بیکاری در راس خواست و مطالبه این طبقه قرار دارد و حول آن صف خود را متحد می کنند.

رفقا!

نسیم انقلاب کارگران و مردم مصر و تونس و تحولات انقلابی در کشورهای عربی، دنیا را فرا گرفته است. مردم ایران، کارگران و صف آزادیخواهی امروز بیش از هر زمان تحت تاثیر این فضا قرار گرفته است. از این فضا باید بیشترین استفاده را در جهت اتحاد صفوف خود در تشکلهای مستقل

کارگری کرد. این فضا و امیدی که در دل ما زنده شده است، فرجه ای برای ما است تا صفوف خود را متحد کنیم، تا دستهایمان را در دست هم بگذاریم، تا جنبش مستقل طبقاتی خود را در مقابل بورژوازی ایران از سیاه و سبز و.. آن، برای دفاع از مطالبات خود به میدان آوریم.

تجارب همه مبارزات بر حق و همه تحولات انقلابی، تجارب اعتصاب عظیم کارگران فرانسه، اعتراض وسیع کارگران انگلستان، و تجربه صدها سال مبارزه ما برای بهبودی در زندگی، باید برای طبقه کارگر ایران این درس را داشته باشد که بزرگترین قیام تپستان دنیا، وسیعترین اعتصابات و اعتراضات خیابانی در فقدان صف آگاه و متحد کارگران، در فقدان تشکل طبقاتی خود و در فقدان یک پرچم روشن کارگری میتواند به دست بدست شدن قدرت میان جناحهای بورژوازی بیجانجامد، و کارگران علیرغم هر تلاش و جانفشانی تنها به ارتش ذخیره طبقات دیگر تبدیل شوند. این تحولات بیش از هر زمان نیاز طبقه کارگر به اتحاد و تشکل طبقاتی خود، به پرچم روشن سیاسی خود و به حزب کمونیستی، رزمنده و انقلابی خود، را در مقابل ما قرار داده است.

اول مه فرصتی است که رهبران و فعالین کمونیست طبقه کارگر دور هم جمع شوند، به محور اتحاد کارگران در محیط کار خود تبدیل شوند، آنها را حول مهمترین مطالبات خود متحد کنند، تلاش کنند حصارهای تفرقه افکنانه (رشته ای، قومی، ملی و جنسی و...) را بشکنند و پایه های همدلی و همسرنوشتی را میان صفوف خود تقویت کنند. اول مه و همه تلاشهای ما در این مناسبت باید قدمی در راه خودآگاهی و بالا بردن اتحاد صفوف کارگران و ایجاد همبستگی در میان آنها باشد. اول مه میتواند سرپلی باشد برای ایجاد پیوندهای ادامه دار میان فعالین و رهبران کارگری برای پیشبرد اعتراض روزانه و نبردی که در جریان است، برای بهبودی در زندگی خود و همه محرومین، و بستن سدی در مقابل یورش بورژوازی به طبقه کارگر و به کل جامعه.

اول مه در عین حال فرصتی است که نسل جوان تحصیل کرده طبقه کارگر در کلیه مراکز تحصیلی، صف جنبش زنان برابری طلب و همه آزادیخواهان، حول پرچم آزادی و برابری، همراه کارگران به این همبستگی طبقاتی بپیوندند.

هر سال در اول مه سر و کله خانه کارگر و شوراهای اسلامی برای

تحقیق کارگران پیدا میشود. آنها تلاش میکنند، بر بستر فضای مختنق و سرکوب و ممنوعیت تشکل مستقل کارگری، بر بستر زندانی بودن فعالین و رهبران طبقه کارگر، کارگران را به مراسمهای دولتی بکشاند. تلاش میکنند با نق زندهای خود، اعتراض و نفرت عمیق طبقه کارگر را مهار کنند و در کنترل دولت و تشکلهای دولتی نگهدارند. جای کارگران نه مراسمهای خانه کارگر و شوراهای اسلامی که صف مستقل کارگری در مقابل دولت و ابزارهای کنترل اعتراض طبقه کارگر است.

جنبش سبز نیز بر بستر سرکوب و اعتراض طبقه کارگر، بر بستر سرکوب هر نوع اعتراض رادیکال و آزادیخواهانه، میکوشد که کارگران را به صف جنبش خود بکشاند. این جنبش با همه طیف رنگین کمان خود، به عنوان نماینده بخشی از بورژوازی ایران و بر شانه های چپ بورژوازی، زیر نام جنبش جاری، جنبش اعتراضی... میخواید طبقه کارگر به سرباز تحقق اهداف ارتجاعی جناح سبز بورژوازی ایران تبدیل شود.

بخشی از خودآگاهی طبقه کارگر افشای کامل جنبش ارتجاعی سبز، افشای ماهیت عمیقاً ضدکارگری این جنبش و خانه کارگر و کل تشکلهای دولتی است.

طبقه کارگر راهی جز به میدان آمدن و دست بردن به قدرت خود برای تعیین تکلیف نهایی و قطعی با دشمنان طبقاتی اش، با دولت بورژوازی و طبقه حاکم، ندارد. قدرتی که در کار و تولید خوابیده است، قدرتی که اگر به حرکت در آید میتواند جهانی را فتح کند، قادر است نه تنها حملات روزمره به معیشت و کار خود را عقب بزند، که ریشه استثمار و ستم را برای همیشه بشکند و جهانی آزاد و برابر برای همگان بسازد. طبقه کارگر تنها با پرچم کمونیسم و با گرد آمدن در حزب کمونیستی اش میتواند پرچم انقلاب کارگری را برافرازد و این نیلای وارونه را از قاعده بر زمین بگذارد.

کارگران سراسر جهان متحد شوید!

زنده باد اول مه

زنده باد همبستگی جهانی طبقه کارگر

حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۸ فروردین ۱۳۹۰ - ۷ آوریل ۲۰۱۱

نشست دفتر سیاسی حزب

حکمتیست

روزهای ۱۳ و ۱۴ فروردین ۱۳۹۰ (نوم و سوم آوریل ۲۰۱۱) نشست دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست با شرکت اکثریت اعضای دفتر سیاسی، رحمان حسین زاده دبیر کمیته مرکزی حزب و اسد گلچینی عضو هیات دبیران برگزار شد. گزارش عمومی کارکرد هیات دبیران بعد از پلنوم بیستم کمیته مرکزی حزب توسط دبیر کمیته مرکزی و گزارش دفتر سیاسی توسط رئیس دفتر سیاسی به اطلاع نشست رسید. گزارشهای کمیته های اصلی حزب قبلاً در اختیار اعضای دفتر سیاسی قرار گرفته بود. پس از سوال و اظهار نظر درباره گزارشها، دستور نشست تصویب شد و از جمله در مورد مباحث زیر تبادل نظر و تصمیم گیری صورت گرفت: تاثیر تحولات شمال آفریقا و خاورمیانه بر اوضاع سیاسی ایران، مسائل رویاروی رهبری حزب، مبحث تحزب کمونیستی، اول مه امسال و انتخابات. در بند انتخابات امان کفا خود را برای ریاست دفتر سیاسی کندی کرد و فتح شیخ با اکثریت آراء به عنوان رئیس دفتر سیاسی ابقاء گردید.

دفتر سیاسی حزب کمونیست کارگری ایران- حکمتیست

۱۷ فروردین ۱۳۹۰ - ۶ آوریل ۲۰۱۱

همبستگی با مبارزات مردم در کردستان عراق

"چتر آزادی" در اعتراض به محاصره این شهر توسط حکومت کردستان و باند بارزانی، روز شنبه ۹ آوریل ساعت ۱۲:۳۰ در مقابل دفتر مرکزی حکومت کردستان در لندن تظاهرات را هییمایی فراخوان داده است. تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست ضمن حمایت از این حرکت اعتراضی همه آزادیخواهان مقیم لندن را به شرکت فعال در این اعتراض فرا میخواند.

پیروز باد مبارزات انقلابی مردم کردستان عراق!

تشکیلات بریتانیای حزب حکمتیست
آوریل ۲۰۱۱

زمان و مکان
Time and Date: 12:30pm - 9/4/2011

Address: Winchester house 259-269 Old Marylebone Road NW1-5RA

زنده باد جمهوری سوسیالیستی

اول مه امسال چگونه برگزار ...

حدا سنیکاهای هفت تپه و شرکت واحد به جای اقدامی در محلی مربوط به کار و همکاران خود و خانواده هایشان، فراخوان اول مه در جایی را دادند که هیچ ربطی به توده کارگر این دو مرکز نداشت. هیات مدیره هفت تپه بیش از هر کسی میدانست که تهران نمیتواند محل مراسم اول مه هزاران هفت تپه ای باشد. نه فقط آنها که هر عقل سلیم میدانست که هیچ جمع قابل توجهی از هفت تپه ای ها برای اول مه به تهران نخواهد آمد، در حالیکه در مراکز و مناطق خود شاید بهترین اول مه را برگزار میکردند. با این حال فشار سنت جنش بورژوایی سبز آنها را پای

پروسه ای فردی و متمیزه است. این همان جایی است که دست کارگر به اسلحه اقتصادی بند نیست. کارگری که تشکل و اتحاد خود را ندارد، حضورش در خیابان نه به شکل متحد که به شکل اتم های انسانی و متفرقه است. خیابان جایی است که کارگر بدون سنگر اقتصادی اش ناچار است با توسل به سنت و شیوه دیگران اعتراضش را پیش ببرد. اما توده کارگر نیست؟ نتیجه عملکرد این سنت دور کردن کارگر از نقطه قوت خود، از قویترین سنگر مبارزاتی خود و کشاندن اتم های پراکنده او جایی است که به آسانی ضربه میخورد و توان دفاع از خود را ندارد. اگر طبقه کارگر ایران صاحب تشکل های قدرتمند خود می بود و با اتکا به آن متحد به خیابان ها می آمد و شهرها را روز اول مه مال خود میکرد، البته مسئله متفاوت بود. طبقه کارگر ایران امروز نه برای به دست آوردن مطالبات روزانه اش و نه برای برگزاری اول ماه مه در این تناسب قوای طبقاتی به سر نمی برد. نتیجتاً هر تقلائی این طبقه و فعالین آن باید متوجه پر کردن این خلا باشد. اول مه یکی از مقاطع است.

فعالین متشکل در نهادهای با عنوان کارگری اهداف خود را دارند. اینها در این دوره هوادارن و فعالان جنبش جاری، جنبش انقلابی یا اعتراضی یا انقلابی (که عنوان سبز در بسته بندی های اپینولوژیک مورد پسند این چپ اند) بودند و اول مه منجمله سال گذشته را هم با سنت خیابانی همین سبز برگزار کردند. در سال های قبل نیز این نهادها تحت تاثیر جنبش مخالفت سیاسی با رژیم اسلامی همیشه تقلائی شان برای برگزاری مراسم اول مه در خارج از مراکز کارگری و کارخانه ها بوده است. خیابان، پارک، میدانی شهرها، کوه و دشت و دمن همه جا برای این سنت محل شکل دادن به تجمع بوده جز کارخانه و محل کار میلیونی. تحت تاثیر این سنت بود که سال گذشته

دوره حساس مبارزات مردم

جامعه، بلکه محصول جنگ و دخالت نظامی آمریکا و غرب علیه رژیم بعث در جریان اشغال کویت در سال ۱۹۹۱ درجه از گستاخی و پر رویی جناب بارزانی در تقابل با مردم بر بطن تلاش بود. با تضعیف ارتش و نیروهای جریانات به اصطلاح اپوزیسیون ناسیونالیست گوران "تغییر" و هزیمت آنها از منطقه کردستان، و با اسلامیها که در این تحرک اعتراضی نقش ایفا میکنند، و مسیر مذاکرات و بند و بست با دو حزب حاکم را علیه مردم در پیش گرفته داند، تاثیر گرفته است. هشدارهای مسئولانه و به موقع حاکمیت "ولت خودی و نوپای احزاب رهبری حزب کمونیست کارگری کردستان خطاب به مردم، در رابطه با ترندهای حیل گرانه و سرکوبگرانه و همزمان تلاش برای خنثی کردن بند و بست جریانات بورژوایی حاکم و اپوزیسیون، بیش از پیش عطف توجه کارگران و مردم حق طلب را مبطلبد. آزادیخواهی مربوط نبوده اند، بلکه این واقعیت تاکیدبست بر اینکه تنها صف دشمنان طبقه کارگر و مردم ضامن خنثی کردن توطئه های در جریان علیه حرکت اعتراضی در جامعه کردستان پیوستن کارگران و مردم به سیاست کمونیستها و حزب کمونیست کارگری کردستان است.

اتفاقات اخیر بار دیگر این حقایق را تاکید میکند که ادعاهای پوچ "بورژوازی خودی و دمکرات و دولت و احزاب ملی دلسوزخودمان" ضد حقیقت است، که بورژوازی در به میان کارگران و مردم معترض کردستان ایران منتقل کرده و حمایت از مردم با هم میسازند و همگام با هم ضد کارگری و ارتجاعیند. بر خلاف پروپاگاند روزمره ناسیونالیستها حاکمیت این دو حزب جنبش کردایه تی، نه نتیجه اعتراض و مبارزه برحق مردم، نه نتیجه اراده و خیزش از پایین

کمیته کردستان حزب حکمتیست
شانزدهم فروردین ۱۳۹۰ - پنجم
آوریل ۲۰۱۱

سخنرانی و پرسش و پاسخ در پالتاک

منشور سرنگونی و اپورتونیسم راست

(بررسی منشور سرنگونی حزب کمونیست کارگری ایران)

سخنران: رحمان حسین زاده

زمان: پنجشنبه چهاردهم آوریل ۲۰۱۱

ساعت: ۲۰ به وقت اروپای مرکزی

محل جلسه در پالتاک:

اتاق: Iran Hekmatist Parti

Category: Europe

Sub-Category: United Kingdom

مرگ بر جمهوری اسلامی!

حیات، کار و استثمار

حیات پایه‌ای ترین حق انسان است. جسم و روح افراد از هر نوع تعرض مصون است.

استثمار انسان ممنوع است. کار مزدی، که اساس استثمار انسان در دنیای امروز است، و همچنین هر نوع انقیاد، بردگی و بیگاری در هر پوشش و با هر توجیهی ممنوع است.

کار فعالیت آزاد و خلاق انسان است. هر کس حق دارد خلاقیت‌های فکری و عملی خود را گسترش داده و بکار اندازد.

هر کس مستقل از نقش او در تولید میتواند از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه برخوردار گردد. همه انسانها در برخوردارگی از نعمات مادی و معنوی موجود در جامعه دارای حق برابر هستند.

همه انسانها حق فراغت، تفریح، آسایش و امنیت دارند. هر کس حق دارد از مسکن مناسب و از ضروریات زندگی متعارف در جامعه امروزی برخوردار باشد.

از بیانه حقوق جهانشمول انسان - مصوب حزب حکمتیست

هیچ قانون، سیاست و مقرراتی در جامعه نمیتواند حقوق و بندهای این بیانیه را نقض کند. هیچ فرد یا بخشی از جامعه را از هیچ یک از حقوق این سند نمیتوان محروم کرد یا مورد تبعیض قرار داد. دولت و ارگانهای اداره جامعه موظف به تضمین تحقق این حقوق و بندهای این بیانیه هستند. حزب حکمتیست اعلام میکند که مواد حقوق جهانشمول انسان را حقوق تقطی ناپذیر مردم میداند و با تصرف قدرت سیاسی و اعلام جمهوری سوسیالیستی همه این حقوق را بعنوان مبنای قوانین و سیاست‌های جامعه اعلام میکند.

زمانی برای بیداری...
دوستان و دشمنان خود قرار داده است. تا به دوستانش، در پوزیسیون و اپوزیسیون، فراخوان اتحاد و به دشمنانش "حکم جهاد" دهد! کیهان با این بررسی جنبش کمونیستی معاصر ایران را در مقابل جامعه گذاشت، جنبشی که به این و آن سازمان محدود نیست و در بطن جامعه و در اعتراض روزمره میلیونها نفر از مردم ایران نهفته است. جنبشی که نه با سرکوب دانشجویان چپ و کمونیست و تعرض به "داب" محو شد، و نه با عروج و نزول سبز تسلیم صف "انقلاب همگانی" آن شد. جمهوری اسلامی برای ایجاد اتحاد در صفوف ناچار شد به وجود چپ و کمونیسم در جامعه ایران اعتراف کند و خطر آن را به صفوف خودش گوشزد کند. چپ و کمونیسمی که به کمتر از مطالباتی که بر پرچم های "منشور سرنگونی جمهوری اسلامی" و "بیانیه حقوق جهانشمول انسان" نقش بسته است، رضایت نداد و نمی دهد. پرچمی که امروز کیهان هم در جنگش با آن، ناچاراً "به خانه های مردم برده است!" جنبشی که ریشه در خواست هر جوان انقلابی خواهان تغییرات ریشه ای، در تقلاهای هر زن و دختری که بقا جمهوری اسلامی را در تناقض با زندگی انسانی خود میداند، در مطالبه اکثریت کارکنان جامعه که حتی یک روز با جمهوری اسلامی از بالا تا پتین سازش نکرده اند، و در اعتراض و مبارزه طبقه کارگری که میداند که خلاصی او از چنگال فقر و محرومیت تنها و تنها در گرو تحقق مطالبات منشور سرنگونی و حقوق جهانشمول انسان است، دارد. کمونیسم معاصر ایران امروز پرچم خود، صف خود و مطالبات خود را میشناسد. این دستاورد با هیچ سرکوب و زندان و بگیر و ببندی قابل بازپس گیری نیست.

سنگویان این چپ و کمونیسم در ایران بودند. امثال آذرین و مقم و طرفداران خجول آنها، کارگر دوستان دروغین و پوشالی، کسانی که تحمل زخم حملات جمهوری اسلامی به کمونیسم معاصر ایران را با چاشنی تعرض پلیسی خود، هزاران بار نشوار تر کردند. آیا این صف، امروز میتوانند تراوشات دیروز خود را منتشر کنند؟ اعترافات کیهان، پرونده آلوده این صف را زیربغل آنها زد و آنها را تا اطلاع ثانوی مرخص کرد!

یکی دیگر از جریاناتی که کیهان موجبات بیداری آنها را فراهم کرده است. حزب کمونیست کارگری ایران است که بنحو غیرمترقبه ای، در گرماگرم کمپین های مختلف برای جلب رضایت دولتهای غربی، فرانسه و آلمان و آمریکا برای نجات مردم ایران، و در ببحوجه انتشار سند بی محتوایی چون "مانیفست انقلاب ایران" برای تسخیر جنبش اعتراضی موسوی و کروی، بیدار شده است. این حزب اخیراً سندی تحت عنوان "منشور جنبش انقلابی برای سرنگونی جمهوری اسلامی" صادر کرده است. این را می شد به فال نیک گرفت. می شد به این فرصت طلبی به دیده مثبت نگریست.

هرچه باشد از فرصت طلبی تبدیل انقلاب کارگری به انقلاب انسانی برای همتراز شدن با سبز، بهتر است. تعویض الگوی سبز با پرچم سرخ منشور سرنگونی و تلاش برای نزدیک کردن خود به کمونیسم معاصر ایران، می توانست برای هر کمونیستی جای خوشحالی باشد. اما تعویض مطالبه منشور کمونیسم معاصر ایران که برسر در آن نوشته شده است: "اعلام سرنگونی و انحلال جمهوری اسلامی" با مطالبه آقای موسوی و کروی که عبارتست از: "خلع پد ولی فقیه، رئیس جمهور و کلیه مقامات دولتی از قدرت"، زیرکی که نه، شوخی بیش نیست. کمونیسم معاصر ایران، طبقه کارگر، و نسل جوان مارکسیستها در ایران، را باید خام و ناآگاه دانست تا بتوان نسخه ای جعلی از پرچم آنها را بنام آنها برافراشت!

نشریه حزب کمونیست کارگری

حکمتیست

سر دبیر: خالد حاج محمدی

www.hekmatist.com

کمونیسٹ را بخوانید

کمونیسٹ را بدست کارگران برسانید

کمونیسٹ را نگه‌دار و توزیع کنید

به کمونیست کمک مالی کنید

هفتگی

رادیو پرتو صدای رادیکال طبقه کارگر

ساعت پخش رادیو پرتو جمعه ها

۱۸ تا ۲۰ به وقت لندن

۱۹ تا ۲۱ به وقت اروپای مرکزی

۲۰ تا ۲۲ به وقت ایران

شما میتونید در ایام هفته شونده تکرار پخش در این ساعت باشید

www.radiopartow.com/wp/

زنده باد سوسیالیسم